

جنبشی اثباتی و مستقل گذر کند، به عنوان نیروی ضربت یک جناح رژیم، مورد سوء استفاده قرار خواهد گرفت.

در این مرحله از مبارزه، خواست اصلی مردم، رهایی از استبداد جمهوری اسلامی و استقرار رژیمی دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین از دولت است که این خواست به اشکال مختلف در شعارهای مبارزاتی مردم منعکس می‌باشد.

مبارزات جاری مردم تاکنون مطالبات زیر را به پیش کشیده است:

- آزادی مطبوعات
- آزادی احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و انجمنهای صنفی
- آزادیهای فردی و اجتماعی، بویژه برای جوانان
- تأمین امنیت قضائی و احلال دادگاههای ضدمردمی
- معرفی و محکمه آمران و عاملان قتل‌های سیاسی و حمله به دانشجویان
- تعقیب و انهدام باندهای سرکوب و معرفی و محکمه حامیان مافیایی آنها.
- تأمین کار و دستمزد مناسب با شرایط و پرداخت بدون تأخیر و تعطیل دستمزد و دیگر حقوق کارگران و زحمتکشان
- وظیفه‌ما، کمک به سازمانیابی مبارزات مردم برای تحقیق خواستهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و انتخابات دوم خرداد و نشاندن خاتمه بر

دامن قوه مجریه، علیرغم میل و خواست ارکان اصلی رژیم، از ولی فقیه تا کانونهای مهم قدرت حکومت، سر باز کرده بود، اکنون با تغییر کامل ترکیب مجلس رژیم روحچه عیینتر شده است و رأی مردم، نه فقط قوه مجریه، قوه مقننه را نیز از دست جناح ولی فقیه و بازار، که زمانی در رویای قبضه کامل قدرت در حکومت بود، خارج ساخته است.

بعد از انتخابات مجلس شکاف بین مدافعين استراتژی سرکوب عریان برای حفظ رژیم جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی، عمیق‌تر کشته است.

انتخابات مجلس، همچین وجه دیگری از مداخله مردم در تناقضات درونی حکومت را به نمایش گذاشته است. در این انتخابات، مردم با گزینش آگاهانه در بین اصلاح طلبان حکومتی، علاوه بر آن که تمايل خود به تحولات عمیق در جامعه را به نمایش گذاشتند، به شکاف در بین جناح اصلاح طلب رژیم نیز، انکشت نهادند.

حکومت اسلامی در مواجهه با جنبش مردم، علیرغم وحدت در حفظ جمهوری اسلامی، به دو ارد و تقسیم شده است:

- گروه اول نیروهایی هستند که در طول حیات جمهوری اسلامی، بویژه طی ده سال گذشته، همواره دست بالا را در قدرت داشته‌اند و همچنان در اندیشه حققت قدرت و موقعیت خود با همه وسائل ممکن و قبل از همه سرکوب جنبش مردم، محو دستاوردهای تاکنونی آن در تغییر فضای حاکم بر جامعه هستند. در رأس این جناح، ولی فقیه و بازار اولیگارشی بازار دفاع می‌کنند و در تقاضای روحانیت و امتیازات بیحد و حصر اولیگارشی از هرگونه دخالت مردم در سرنوشت جامعه هستند. ایزار اصلی این گروه، قوه قضائیه، تسلط بر نیروهای مسلح رژیم و تمامی نهادها، بنیادها و ارگانهای تحت فرمان ولی فقیه است.

- گروه دوم، نیروهای موسوم به "دوم خردادی"ها و اصلاح طلبان حکومتی هستند. این جناح از رژیم موقعیت خود در حکومت را می‌بینند. بستر حرکت این نیرو، در عین همسوئی آن با برخی از شعارهای مردم، چارچوب تنگ قانون اساسی جمهوری اسلامی، مبتنی بر تلفیق دین و دولت است. ترس از حرکت مستقل مردم و تلاش بر محصور نمودن مبارزات مردم در محدوده جمهوری اسلامی، جزو خصلت این نیرو و عامل محدودیت شعارهای آن است.

اصلاح طلبان حکومتی در طول سه سال گذشته تناقضات خود را در همیزیستی با نهاد و لایت فقیه به اساس آن را اختیارات بیحد و حصر این نهاد تشکیل می‌دهد. تجریبه دوم خرداد تاکنون نشان می‌دهد که آنها در اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی با بنبست مواجه‌اند و قادر نیستند بر بسی قانونی ساختاری و نهادی شده جمهوری اسلامی پایان دهند.

اصلاح طلبان حکومتی، با استفاده از جنبش مردم، مشی مماثلات طلبانهای را با جناح دیگر در پیش گرفته آن را به وسیله‌ای برای چانه‌زنیهای خود در بالا تبدیل کرده‌اند و با سکوت در قبال تعرضات به جنبش مردم و دعوت از مردم به آرامش، به بهانه جلوگیری از شنج و خشونت، مانع رشد مبارزه مردم علیه استبداد منهبي هستند. اقدامات این جناح در "توسعه سیاسی و

اوپاع سیاسی و سیاست ما

(سند شماره ۳)

۱- جنبش مردم در دو سال گذشته، پیشرفت چشمگیری کرده است. از یکسو ریشه‌های خود را در اعماق جامعه و در حضور روزافزون جنبش‌های اجتماعی نمایان‌تر و خواستهای خود را روشن‌تر ساخته است. از سوی دیگر، دخالت خود در کشمکش‌های داخلی حکومت را از طریق شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی و مجلس وسعت بخشیده و رأی "نه" خود به حکومت اسلامی را با مذنوی نمودن هرچه بیشتر جناح ولایت فقیه و بازار مؤکد نموده است.

بحran اقتصادی و سیاسی حاکم، طبقات و اقشار زحمتکش جامعه را به مقابله با رژیم کشانده است. بی حقوقی سیاسی و فلاکت اقتصادی به عنوان ارمغان بیست سال حکومت جمهوری اسلامی، کل جامعه را به تکاپو واداشته و به صحنه آورده است. از نقطه نظر سیاسی، مردم از ادامه لکدمال شدن حقوق و آزادیهای اولیه خود توسط جمهوری اسلامی به تنگ آمده و خواستار برچیدن بساط آن هستند. از طرف دیگر فقر و فلاکت روزافزون اقتصادی و تعمیق هرچه بشتر شکاف طبقاتی، بیکاری و بی چشم‌اندازی، به عنوان عامل مضاعف، میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان را به دفاع از حق حیات خود به مقابله با عامل این شرایط واداشته است و چشم‌انداز تعمیق طبقاتی آن را هرچه بشتر تقویت نموده است. نیروی محرکه اصلی این جنبش میلیونی، زنان و جوانان، از همه اقشار و طبقات جامعه هستند.

تبیيض جنسی دهشتناک جمهوری اسلامی، زنان کشور مارا از حقوق اولیه و انسانی‌شان، محروم ساخته است و جنبش زنان را به آتشنشانی در زیر پای جمهوری اسلامی تبدیل نموده است.

دو دهه حکومت زور و سرنیزه و غارتگری، قبل از همه، امکانات رشد آینده‌سازان جامعه، جوانان، را که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، نابود ساخته و آنان را در بربرهوت بی‌برانگی حکومت و ویرانی اقتصادی جامعه، بدون هیچ ایده و چشم‌اندازی رها ساخته است. جوانان کشور ما خواهان تغییر این شرایط هستند و در چهره استبداد جمهوری اسلامی، عامل بدیختی و بی‌آیندگی خود را می‌بینند.

فرهنگ‌سازان جامعه، اعم از نویسنگان، روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران مطبوعات، دانشگاهیان اعم از استادان و دانشجویان، در گسترش جنبش اخیر، نقش مهمی ایفاء نموده‌اند. موقوفیت نویسنگان در رسمیت بخشیدن به فعالیت کانون و تثبیت موقعیت جنبش دانشجویی به مثابه یک جنبش بالفعل در سایه حضور فعال جنبش همگانی امکان‌پذیر شده است.

اعتراضات کارگری در مقابل به تعطیلی کشاندن کارخانجات و اخراجهای رو به کسترش، تعویق در پرداخت دستمزدها، علیه تغییرات ارتقایی‌تر در قانون کار ارتجاعی و موجود رژیم، رو به گسترش نهاده است.

از جنبش اعتراضی گروههای مختلف مردم در اقصی نقاط کشور، تلاش برای ایجاد تشكلهای مستقل صنفی و سیاسی، همه آینده‌ای از خصلت تعریضی جنبش مردم است. جنبش دانشجویی تیرماه سال گذشته، بازتابی از این خصلت بود. اگرچه سرکوب شد، اما برای اولین بار در حیات جمهوری اسلامی، تظاهرات توده‌ای با شعار مستقیم علیه رژیم را به صحنه کشاند. چشم‌انداز جنبش مردم، رویارویی هرچه مستقیم‌تر با جمهوری اسلامی و تعمیق طبقاتی آن با گسترش در اعماق جامعه و تشدید مبارزات کارگران و زحمتکشان است.

دخالت مردم در شکافهای داخلی حکومت از طریق شرکت وسیع در انتخابات رژیم، که همگی غیردموکراتیک بوده است، به مهار جناح ولایت فقیه و بازار و گسترش موقعیت اصلاح طلبان حکومتی در قدرت سیاسی خویش که چیزی جز فعالیت آزادانه احزاب سیاسی اپوزیسیون و تشكلهای مستقل توده‌ای نیست، محروم‌اند و از طرح مطالبات مشخص و مبارزه برای تحقق آنها بازمانده، عدتاً به مبارزه اعتراضی دست می‌زنند. جنبش مردم تا زمانی که نتواند از جنبشی عمده‌اً سلبی به

گزارش و اسناد کنگره چهارم سازمان

فرهنگی "ادعایی خویش، از حد تلاش برای تأمین آزادیهای سیاسی و فرهنگی برای خودها، فراتر نرفته است و خواستهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم را بی پاسخ گذاشته است.

حفظ چارچوب جمهوری اسلامی وجه مشترک نیروهای اصلی جناح اصلاح طلب با جناح ولی فقیه و بازار، در کشیدن خط قرمز در برابر جنبش مردم است.

در چشم‌آنداز آتی و با هرچه حساس‌تر شدن اوضاع، شکاف بین این دو بخش از حکومت هرچه عمیق‌تر خواهد شد.

۳- هدف مقدم سازمان ما، مبارزه برای ایجاد جامعه‌ای آزاد و متکی بر انتخاب آزادانه مردم است. جامعه‌ما نه به جمهوری اسلامی که در آن، حتی خود حکومتکران نیز، به خودی و غیرخودی تقسیم می‌شوند، بلکه به یک جمهوری دموکراتیک و مردمی نیازمند است که در آن حقوق و آزادیهای مردم به رسمیت شناخته شده و اجرا گردد. از ستم ملی، جنسی، مذهبی و عقیدتی اثری نبوده و حکومت نه حاکم بر مقدرات مردم، بلکه تابع رأی و اراده و گزینش آنها باشد. استقرار چنین حکومتی تنها بر ویرانه‌های حکومت جمهوری اسلامی امکان‌پذیر است. سیاست ما، باید تقویت جنبش کنونی، کمک به امر سازمانیابی آن در جهت تحقق این هدف باشد.

ما همه نیروهایی را که برای تحقق چنین چشم‌آندازی مبارزه می‌کنند، به همکاری و همکاری در تقویت مبارزات جاری مردم فرامی‌خوانیم.

ما از خواستها و مطالبات آزادیخواهانه مردم دفاع کرده، خواستار جدایی دین از دولت، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و تشکلهای مستقل گروههای اجتماعی مختلف، تأمین برابری زنان با مردان، به رسمیت شناختن حقوق دموکراتیک اقلیتهای ملی، قومی، مذهبی و آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

ما جهتگیری جنبش مردم در تمرکز حمله به جناح ولایت فقیه و بازار را، یک جهتگیری درست ارزیابی کرده، خواستار تمرکز حمله به این نیرو به عنوان عامل اصلی و مدافع پیکیر استبداد جمهوری اسلامی هستیم.

همسوزی جناح اصلاح طلب رژیم با برخی از خواستهای مردم، تاکنون موجب تقویت جنبش مردم گشته است اما تلاش این جناح در محدود کردن مبارزات مردم در چارچوب جمهوری اسلامی، در مغایرت با اراده مردم در تغییر این رژیم استبدادی است. سازمان ما هرگونه مشی حمایتکرane از این نیروها را مسدود می‌داند. سیاست ما باید هدف سیاسی آنها در حفظ جمهوری اسلامی و محدودیت شعارهای آنها را افشاء نماید و خواستهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم را هرچه برجسته‌تر سازد و بر خصلت ارتجاعی و ضد دموکراتیک محدود نمودن حقوق سیاسی به "خودی" و محرومیت اپوزیسیون از این حقوق را، در سیاست اصلاح طلبان حکومتی، تأکید نماید و ادامه سیاست سرکوب جنبشهای ملی، بویژه در کردستان، را محکوم سازد.

سازمان ما باید تمامی ابتکارات را برای شکل‌گیری فعالیت مستقل سیاسی و صنفی مردم به کار کیرد، در میان تمام وظایف فوق که در اساس متوجه شکل‌گیری آلترناتیوی دموکراتیک و مردمی در مقابل رژیم اسلامی است، شکل‌گیری فعالیت مستقل سیاسی و صنفی را به مثابه حلقة اصلی تلقی نماید.